

بین شیران عرب شیرترین آمده است

مه شعبان شده ماهی به زمین آمده است
روز چارم پسر ام بنین آمده است

پدرش حیدر کرار زمیلادش شاد
بر بنی هاشمیان ماه ترین آمده است

نامش عباس شد ومعنی آن شیر دژم
بین شیران عرب شیرترین آمده است

جمله ذریه ی زهرا به رخس بوسه زنند
یک برادر به همه یارومعین آمده است

مادرش گفت برای همه اولاد بتول
پسر م بهر غلامی به یقین آمده است

مرتضی بوسه به دستش زد وگفتا بینم
دست او کربلا نقش زمین آمده است

آمده تا که سپهدار حسینی بشود
آن علمدار یل لشگر دین آمده است

مادرش ام بنین درس وفایش داده
اسوه براهل و فایان زمین آمده است

آمده ساقی اطفال حسینش گردد
آب در حسرت او چله نشین آمده است

روز میلاد ابوالفضل به بین الحرمین
بهر دیدار عمو پرده نشین آمده است

کف بزن خوب طلب کن سفر کربلا
باب حاجات همه در ثمین آمده است